

برابری فرصت و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش (مفاهیم و راه کارها)

برابری و اثربخشی آموزشی

مهناز ابوالکاشف نوری^۱، ضرغام فرامرزی نیا^۲، فاطمه توکلی^۳، مصطفی محمودی^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی برابری فرصت و عدالت آموزشی در سازمان آموزش و پرورش بود. این مفاهیم همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سازمان بوده‌است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و با مرور کلی ادبیات نظری مرتبط و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ابتدا مفاهیم برابری فرصت و عدالت آموزشی تبیین گردید و در ادامه با توجه به وضعیت فعلی سازمان آموزش و پرورش کشور و بر اساس گزارش (OECD, ۲۰۱۲) مهم‌ترین راه کارها ارائه شد. نتایج تحلیلی راه کارها حاکی از آن است که برای بهبود برابری فرصت و عدالت آموزشی در سازمان دو راه کار کلی وجود دارد. دسته‌ی اول راهکارهایی هستند که به منظور پیشگیری از نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی در یک سیستم سازمانی و ساختاری معیوب قابل طرح هستند و شامل مواردی همچون: حذف تکرار پایه، اجتناب از پیگیری زود هنگام و تعویق گزینش دانش‌آموزان تا مقطع دبیرستان، مدیریت گزینش مدرسه برای اجتناب از افتراق و تبعیض بیشتر، ارائه‌ی استراتژی‌های بودجه جهت تأمین نیازهای دانش‌آموزان و مدارس، طراحی مسیرهای آموزشی برابر در مقاطع بالاتر از دبیرستان. دسته‌ی دوم راه کارها و سیاست‌هایی هستند که پس از مشاهده‌ی نابرابری و بی‌عدالتی در یک منطقه آموزشی قابل طرح هستند و شامل: تقویت و حمایت از رهبری و مدیریت مدرسه، بهبود انگیزش برای ایجاد جو و محیط آموزشی فعال، جذب، حمایت و حفظ معلمان باکیفیت، تضمین استراتژی‌های مؤثر برای یادگیری کلاسی، تقدم پیوند مدارس با والدین و جوامع. هستند. علاوه بر این، مواردی از جمله: احداث مدرسه در نزدیکی محل زندگی دختران، کاهش هزینه‌های والدین از طریق اعطای بورس تحصیلی، تهیه برنامه درسی متناسب، افزایش مشارکت جامعه، تمرکززدایی، ایجاد نظام‌های آموزشی متنوع، ارزش‌گذاری به تمام آحاد جامعه با هر وابستگی زبانی، قومی، نژادی، توزیع عادلانه نیروی انسانی تحصیل کرده و فرهنگیان مجرب، تدوین کتب درسی متناسب با موقعیت و شرایط استان، ایجاد

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی

^۲ - دانشجوی دکتری، رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز zarghamfaramarzi@gmail.com

^۳ - کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

^۴ - کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران

زمینه‌ی مناسب برای تحصیل دختران و پسران بازماندگان از تحصیل، اختصاص منابع مالی و سرانه‌های دانش‌آموزی ویژه با توجه به محرومیت منطقه آموزشی، ارائه امکانات رایگان در مناطق محروم، بهره‌مندی معلمان از امکانات رفاهی مطلوب، ایجاد فرصت‌های مناسب برای ادامه‌ی تحصیل فرهنگیان، بهره‌گیری از رسانه‌های ملی و امکانات جمعی و عمومی سازمان‌ها به بهبود برابری فرصت و عدالت آموزشی کمک خواهد نمود.

واژگان کلیدی: برابری فرصت آموزشی، عدالت آموزشی، آموزش و پرورش

مقدمه

عدالت از جمله مفاهیم تاریخی فلسفه سیاسی است که از گذشته تا به امروز، جزء آرمان‌های بشر بوده است. این مفهوم یکی از خواسته‌های جدایی‌ناپذیر بشریت است که بنیان حقوق بشر را تشکیل داده است. مفهوم عدالت آموزشی همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سازمان آموزش و پرورش بوده است. از طرفی نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در حوزه‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد (بکان و جهانیان، ۱۳۹۵). پیداست برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی یک ارزش محسوب می‌شود و آموزش و پرورش باید بتواند آن را در سازمان نهادینه نماید. عدالت آموزشی به مهیاسازی فرصت‌های برابر متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد؛ زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه‌ی فرهنگی و نیازهای آموزشی‌شان باهم متفاوت‌اند. منظور از فرصت برابر جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی، طبقه‌ی اجتماعی است (دهقانی، ۱۳۸۴؛ نقل در سرمدی و معصومی فر، ۱۳۹۴). البته مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی مفهومی است نسبی که به تبع شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه در حال تغییر است و تاکنون سه شکل مشخص به خود گرفته است: برابری فرصت‌های آموزشی به معنی درونداد مساوی، برابری فرصت‌های آموزشی به معنی فرآیند مساوی و برابری فرصت‌های آموزشی به معنی برون‌داد مساوی (جوادی، ۱۳۸۷؛ نقل در عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۷). هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور است. همچنین از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت آموزشی، تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است و همه‌ی آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. در جهان کنونی یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن است. بر همین مبنا کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه درصدد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱؛ نقل در سرمدی و معصومی فر، ۱۳۹۴).



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

با توجه به مطالب گفته شده به نظر می رسد که باوجود گستردگی زیاد سازمان آموزش و پرورش در کشور، جمعیت بالای تحت پوشش آن در استان های کشور و توزیع نامتقارن منابع و امکانات آموزشی مسئله برابری فرصت ها و عدالت آموزشی یک چالش باشد و تحقق کامل آن نیاز به منابع گسترده و بهبود کیفیت آموزشی فراگیر و جامع دارد. از این رو هدف پژوهش، بررسی مفاهیم برابری فرصت های آموزشی و عدالت آموزشی است تا ضمن شناخت این مفاهیم مهم ترین راه کارهای پیش رو سازمان آموزش و پرورش در این زمینه ارائه گردد.

ماهیت و مفهوم عدالت

تعریف های بسیار متنوعی از عدالت در میان فرهنگ های جهان وجود دارد. هسته مشترک تمام این تعریف ها از عدالت، مفهوم انصاف است که معنای آن نیز نه تنها در میان افراد بلکه در میان فرهنگ ها، تمدن ها و حوزه های تاریخی متفاوت است. در یک نگاه مقوله عدالت قابل تقسیم به دو حوزه ی فردی و اجتماعی است. بسیط بودن عدالت در حوزه های فردی و پیچیدگی شگفت انگیز عدالت در حوزه های سیاسی اجتماعی قابل قیاس نیست. با تمرکز بر حوزه اجتماعی، عدالت یک ارزش اجتماعی است که در زندگی سیاسی انسان ها تبلور می یابد و در واقع آنچه به عنوان حق یا ناحق درک می کنیم و سعی داریم آن ها را از هم متمایز کنیم، در درجه اول به ارزش های اجتماعی بستگی دارد؛ بنابراین، امری اکتسابی است که در اجتماع فرامی گیریم. از سوی دیگر، عدالت گرچه نیاز فطری است، اما به صرف اتکا به گزینه نمی تواند تحقق یابد؛ فضیلتی که نیاز به تمرین علمی و عملی دارد (علیخانی ۱۳۸۸).

اجرای عدالت در عرصه زندگی عمومی، مبنای اصلی اطاعت و فرمان برداری اتباع از قدرت عمومی را تشکیل می دهد. یکی از حوزه های کاربردی عدالت، بحث عدالت در تعلیم و تربیت است که همانند خود مفهوم تربیت، هم در تعریف و هم در مصادیق آن اختلاف نظرهای زیادی مشاهده می شود. اصطلاح عدالت تربیتی مفهومی گسترده و دارای کاربردی متفاوت از دیدگاه های مختلف است. شاید در نگاه نخست معانی که از این واژه به ذهن متبادر شود، این موارد را شامل شود: مساوات در منابع و امکانات آموزشی مراکز آموزشی مختلف، برخورد یکسان معلمان با دانش آموزان مختلف، آموزش تفکر انتقادی به دانش آموزان جهت بررسی موقعیت اجتماعی خود و تحلیل ساختار طبقاتی بعضاً ناعادلانه در جامعه برای رسیدن به برابری فارغ از زمینه اجتماعی و اقتصادی، فرایند مقابله با موانع امیدبخشی، تحرک اجتماعی و تفکر انتقادی در بین دانش آموزان و کل سیستم آموزشی. نگرش های مختلفی در باب عدالت تربیتی در عرصه عمل و چارچوب کلاس درس مطرح شده است که در ادامه به آن اشاره می شود. آشکار خواهد شد که تا چه اندازه تعریف های متفاوت از عدالت تربیتی می تواند منجر به برخوردهای متفاوت و گاه مغایر در کلاس درس شود (بشریه، ۱۳۸۲).

مفهوم عدالت تربیتی متضمن دلالت های خاصی است: تدارک تعلیم و تربیت رایگان برای همه ی کودکان تا حدی که افراد به سطحی برسند که بعد از تمام شدن تحصیلات بتوانند وارد بازار کار شوند، تدارک یک برنامه ی درسی عمومی برای همه کودکان بدون توجه به زمینه های قبلی آن ها، برخورداری همه ی کودکان از مدارس یکسان با امکانات مشابه



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

بدون توجه به محل سکونتشان از جمله این دلالت‌ها به‌شمار می‌روند (میلیبند^۱، ۲۰۰۳) اگر بحث عدالت تربیتی را محدود به محیط‌های آموزشی کنیم، می‌توان سه دسته عوامل را در آن دخیل دانست: (۱) موقعیت، منابع و امکاناتی که از طرف مسئولان نظام آموزشی تدارک دیده می‌شوند مانند معلم، منابع اولیه، برنامه‌ی درسی، محیط آموزشی؛ (۲) ویژگی‌هایی که از طرف دانش‌آموزان وارد محیط آموزشی می‌شود؛ مانند زمینه اقتصادی، فرهنگی و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان و (۳) ویژگی‌های نامحسوس که در نتیجه‌ی برخورد متقابل همه‌ی این عوامل به وجود می‌آید مانند نوع برخورد معلمان با کودکان و نوع برخورد دانش‌آموزان با یکدیگر (اندرسون^۲، ۲۰۰۷).

اصول عدالت

رالز دو اصل عدالت را چنین بیان می‌دارد: اصل نخست، هر شخص قرار است حق برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد. اصل دوم، قرار است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای ساماندهی شود که الف) بیشترین نفع را برای افراد بی‌نصیب داشته باشد ب) وابسته به مشاغل و مناصبی باشند که دسترسی به آن‌ها برای همگان امکان‌پذیر باشد. اگر بخواهیم این اصول را نام‌گذاری کنیم، اصل اول را باید اصل آزادی و بخش اول اصل دوم را اصل تفاوت و بخش دوم اصل دوم را اصل فرصت برابری بنامیم (رالز، ۱۳۸۷).

جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مسئله‌ی عدالت آموزشی از جمله ایده‌هایی است که در سند تحول نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شده است. واژه‌ی عدالت به‌طور انفرادی و یا با ترکیباتی، حدود چهارده بار در سند مذکور آمده است. در بخش بیانیه‌ها ارزش مربوط به فصل اول، فصل چهارم مربوط به بحث درباره اهداف کلان، فصل پنجم در مورد راهبردهای کلان و در فصل ششم بحث مربوط به اهداف عملیاتی و راهکارها به واژه‌ی عدالت اشاره شده است (سند تحول، ۱۳۹۰؛ نقل در صفار حیدری و حسینی نیاد، ۱۳۹۳).

برابری

^۱ Miliband

^۲ Anderson



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

برابری ارزشی است که رالز به آن توجه زیادی دارد. فیلسوفان لیبرال به برابری، البته نه به مفهوم تساوی اقتصادی، تعهد عمیقی دارند. تساوی مورد نظر آن‌ها، برابری ارزش ذاتی و اساسی هر یک از انسان‌هاست. آن‌ها معتقدند که همه باید به طور مساوی در طراحی و عملکرد نهادهای جامعه سهیم باشند.

برابری در نظریه رالز اهمیت ویژه‌ای دارد، هم در اصل اول با عنوان اصل برابری در آزادی‌های سیاسی و هم در بند دوم اصل تمایز (رالز، ۱۳۸۷). والزر نیز با تفکیک برابری ساده از برابری پیچیده به این مقوله توجه نموده است. وجه تمایز دیدگاه رالز در بحث برابری با دیدگاه والزر این است که رالز برابری را در آن دسته از اصول عدالت که قبل از تشکیل جامعه در وضع نخستین شکل می‌گیرد، مورد توجه قرار می‌دهد. درحالی‌که والزر با پرهیز از ارائه هرگونه اصول عدالت جهان‌شمول و کلی، برابری را در عرصه عمل مورد تأکید قرار می‌دهد؛ اما وجه اشتراک هر دو نظریه پرداز در مفهوم برابری، نگاه اخلاقی به انسان فارغ از وجوه تمایز بین آن‌هاست (والزر، ۱۳۸۹).

برابری در عرضه‌ی آموزش

والزر معتقد است هدف تعلیم و تربیت در جامعه دموکراتیک، آموزش دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به شهروندان جامعه دموکراتیک است و تأکید می‌کند که ایجاد و دوام دموکراسی در یک جامعه نیازمند وجود مدارس دموکراتیک است. حال مدارس دموکراتیک چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

مدرسه‌هایی که هدف آن‌ها پرورش شهروندان دموکراتیک است، باید به دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندان یک جامعه، مجموعه دانش‌های شهروندی بیاموزند. به همین دلیل والزر از این سخن ارسطو کمک نظام آموزش و تربیت در یک دولت باید برای همگان یکسان باشد و فراهم‌سازی این نظام باید از راه اقدام همگانی انجام پذیرد. (ارسطو به نقل از والزر، ۱۳۸۹).

از دیدگاه والزر، این نوع آموزش نوعی برابری ساده در حوزه‌ی تعلیم و تربیت است، هرچند این نوع برابری به‌زودی از میان می‌رود به این دلیل که یکی از هدف‌های اصلی والزر است را ثبات می‌بخشد. از نظر والزر، این برابری ساده با برابری شهروندان متناسب است؛ یک شخص/یک رأی، یک کودک/یک مکان در نظام آموزشی. هر چند والزر ابتدا به لزوم تعلیم و تربیت همگانی و برابر در مقاطع پایین اهمیت می‌دهد و آن را شرط پرورش شهروندان دموکراتیک می‌داند، اما معتقد است که این همگانی بودن باید تا سطح معینی رعایت شود. بعد از آن باید پرورش استعدادها و قابلیت‌ها مورد توجه قرار گیرد (والزر، ۱۳۸۹).

برابری فرصت و عدالت آموزشی

برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی را می‌توان از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرد. آن را می‌توان به‌عنوان هدف یا به‌عنوان وسیله‌ای در جهت تحقق هدف بلندمدت برابری اجتماعی مورد توجه قرار داد. در مفهوم لیبرال کلاسیک، برابری یعنی همه‌ی افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، منشأ اجتماعی و ملی، در حقوق برابر و آزادند (پرچمی، ۱۳۸۹). در این مفهوم، برابری در آموزش به این معنی است که افراد باید در شروع زندگی کاری و آموزش برابر باشند. در یک نگرش سوسیالیستی، آموزش به‌عنوان وسیله‌ای اصلی برابرسازی تفاوت‌های اجتماعی دیده می‌شود. برابری فرصت‌های آموزشی زمانی محقق می‌گردد که همه‌ی افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند. این هدف امروزه در سطح بین‌المللی پذیرفته‌شده، اما کاملاً تحقق نیافته است (لینون، ۲۰۰۰؛ نقل در عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۷). مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی مفهومی است نسبی که به‌تبع شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه در حال تغییر است و تاکنون سه شکل مشخص به خود گرفته است: برابری فرصت‌های آموزشی به معنی درونداد مساوی، برابری فرصت‌های آموزشی به معنی فرآیند مساوی و برابری فرصت‌های آموزشی به معنی برونداد مساوی (جوادی، ۱۳۸۷؛ نقل در عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۷). هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور است.

راه کارها

گاتمن^۱ سه روش برای ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر مطرح کرد که عبارت‌اند از: حداکثر سازی، برابرسازی و نخبه پروری. دولت می‌تواند منابع زیادی به آموزش در به حداکثر رساندن فرصت برای همه دانش‌آموزان اختصاص دهد. گاتمن این رویکرد را حداکثر سازی نامیده است؛ اما این رویکرد در نظام آموزشی دارای منابع محدود، عملی نیست. روش دوم جستجوی فرصت‌های آموزشی برابر را برابرسازی نامیده است. این رویکرد شانس زندگی دانش‌آموزان محروم را مانند دانش‌آموزان ثروتمند افزایش می‌دهد. رویکرد برابرسازی، به برابری نتایج اشاره دارد و برای دستیابی به این امر باید همه‌ی موانع طبیعی و محیطی دستیابی به سطوح متفاوت آموزش از بین بروند. رویکرد سوم نخبه پروری است. در این مورد منابع آموزشی باید به نسبت توانایی طبیعی و انگیزه یادگیری افراد توزیع شود. گاتمن با تعریف آستانه دموکراتیک بین برابرسازی و نخبه پروری تعادل ایجاد می‌کند. این رویکرد بیان می‌کند که آموزش باید به اندازه‌ی کافی برای همه‌ی دانش‌آموزان ارائه شود تا افراد زندگی خوبی داشته

^۱. Guttman



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran



دانشگاه لرستان

باشند و همچنین بتوانند در فرآیندهای دموکراتیک که انتخاب‌های بهتر افراد را شکل می‌دهد، مشارکت فعال داشته باشند (نقل در عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۷).

عبدوس (۱۳۸۱) اقدامات مؤثر برای رفع نابرابری‌های آموزشی را در کاربست روش‌های زیر می‌داند: احداث مدرسه در نزدیکی محل زندگی دختران، کاهش هزینه‌های والدین از طریق اعطای بورس تحصیلی، تهیه برنامه‌ی درسی متناسب برای روزمره‌ی دختران، افزایش مشارکت جامعه، تمرکززدایی، نظام‌های آموزشی متنوع (نقل در عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۷).

به‌طور خلاصه می‌توان راه‌کارهایی از جمله: ارزش‌گذاری به تمام‌آحاد جامعه با هر وابستگی زبانی، قومی، نژادی، ایجاد زمینه برخورداری آن‌ها را از امکانات آموزشی، توزیع عادلانه نیروی انسانی تحصیل کرده و فرهنگیان مجرب، تدوین کتب درسی متناسب با موقعیت و شرایط استان‌های هم‌جوار، پذیرش روحیه‌ی انتقادپذیری و تبدیل آن به یک فرهنگ در آموزش و پرورش، پرهیز از سیاسی نمودن مدیریت‌ها و نهادینه نمودن ثبات مدیریت، ایجاد زمینه‌ی مناسب برای تحصیل دختران و پسران بازماندگان از تحصیل، اختصاص منابع مالی و سرانه‌های دانش‌آموزی، فراگیر نمودن امکانات رایگان در مناطق محروم، ایجاد زمینه مناسب برای بهره‌مندی معلمان از امکانات رفاهی مطلوب، ایجاد فرصت‌های مناسب و برتر برای ادامه تحصیل فرهنگیان، بهره‌گیری از رسانه‌های فراگیر را پیشنهاد نمود.

بررسی سند تحول بنیادین نشان می‌دهد که شاخص‌های گسترش و تأمین همه جانبه‌ی عدالت تربیتی در کشور به صورت زیر است (سند تحول بنیادین، ۱۳۸۹؛ ص ۱۰۰).

- نرخ پوشش تحصیلی (واقعی) جمعیت ۶ تا ۱۸ ساله ۱ برحسب جنسیت، شهر و روستا، دوره‌ی تحصیلی و منطقه آموزشی

- میزان نقد معطوف به عملکرد کیفی آموزش و پرورش در رسانه‌های مختلف

- نرخ قبولی، معدل، نرخ ماندگاری، نرخ گذر و... در مقایسه با کل جمعیت دانش‌آموزی

- در صد تغییرات در ضریب نفوذ اینترنت در مدارس

- درصد افزایش توسعه‌ی کمی آموزش‌های غیر حضوری

۱ . پایان ۶ سالگی تا پایان ۱۸ سالگی



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran



دانشگاه لرستان

- درصد افزایش توسعه‌ی کیفی با استفاده از راهبرد یادگیری ترکیبی^۱
- درصد تغییرات در تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش بیمه‌ی دانش‌آموزی در مدارس
- درصد تغییرات در تعداد کودکان استثنایی تحت پوشش آموزش فراگیر در مدارس
- نرخ تجهیز مدارس به امکانات فیزیکی و انسانی مورد نیاز (در چارچوب طرح اجرائی مربوطه)
- درصد تغییرات در تعداد کودکان تیزهوش تحت پوشش آموزش فراگیر در مدارس
- نرخ تجهیز مدارس به امکانات فیزیکی و انسانی مورد نیاز (در چارچوب طرح اجرائی مربوطه)

با در نظر گرفتن این شاخص‌ها و با توجه به اینکه موضوع نابرابری در سطح سیستم آموزشی ما مطرح است، به نظر می‌رسد که در این زمینه راه‌کارهای کشورهای جهانی نیز قابل الگوبرداری و بررسی خواهد بود. در ادامه بر اساس گزارش OECD با عنوان «برابری و کیفیت در آموزش، حمایت از دانش‌آموزان و مدارس نا برخوردار^۲» مجموعه راه‌کارها ارائه می‌گردد. دسته‌ی اول راهکارهایی هستند که به منظور پیشگیری در سیستم آموزش و پرورش قابل طرح هستند. دسته‌ی دوم راه‌کارها و سیاست‌های درمان در سطح سیستم آموزشی هستند.

الف) راه‌کارها و سیاست‌های پیشگیرانه در سطح سیستم آموزشی

نحوه‌ی طراحی سیستم‌های آموزشی می‌تواند نابرابری‌های اولیه را تشدید کند و دارای تأثیر منفی بر انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان است که در نهایت منجر به ترک تحصیل می‌شود. از میان برداشتن موانع سیستم برای ایجاد برابری موجب بهبود کیفیت و منفعت دانش‌آموزان محروم خواهد شد بدون این‌که در پیشرفت سایر دانش‌آموزان خللی وارد آید. پنج توصیه را می‌توان برای پیشگیری از شکست ضمن ترویج تکمیل تحصیلات بالاتر از دبیرستان به کار گرفت:

۱- حذف تکرار پایه

^۱ blended learning

^۲ Equity and Quality in Education SUPPORTING DISADVANTAGED STUDENTS AND SCHOOLS)



تکرار پایه پرهزینه و در ارتقای پیامدهای آموزشی ناکارآمد است. استراتژی‌های کاهش این عمل شامل پیشگیری از تکرار توسط رفع شکاف‌های یادگیری در طول سال تحصیلی، ارتقای اتوماتیک یا تحدید تکرار موضوع یا حوزه‌های شکست‌خورده با پشتیبانی هدفمند و افزایش آگاهی برای تغییر حمایت فرهنگی از تکرار پایه یا مردودی است. برای حمایت از این استراتژی‌ها به سیاست‌های مکمل در راستای تقویت ظرفیت‌های مدارس و معلمان برای پاسخگویی مناسب به نیازهای یادگیری دانش‌آموزان و پشتیبانی زودهنگام، منظم و به‌موقع نیاز است. کاهش میزان مردودی نیز مستلزم افزایش آگاهی مدارس و جامعه درباره هزینه و تأثیرات منفی بر دانش‌آموزان و اهداف محیطی و هم‌ترازی انگیزه‌های مدارس است.

۲- اجتناب از پیگیری زودهنگام و تعویق گزینش دانش‌آموزان تا مقطع بالاتر از دبیرستان

گزینش اولیه دانش‌آموز علی‌رغم ارتقا عملکرد متوسط دارای تأثیر منفی بر دانش‌آموزان تعیین شده برای مقاطع پایین‌تر و تشدید نابرابری‌ها است. گزینش اولیه دانش‌آموز ضمن تقویت تعلیم و تربیت جامع باید تا مقطع بالاتر از دبیرستان به تعویق افتد. در زمینه‌هایی که اکراهی برای تعویق مسیر اولیه وجود دارد توقف مسیرها یا گروه‌های سطح پایین‌تر می‌تواند اثرات منفی آن را تخفیف دهد. محدودیت تعداد موضوعات یا مدت قابلیت گروه‌بندی می‌تواند فرصت تغییر مسیر یا کلاس‌های درس را افزایش داده و استانداردهای تحصیلی بالا برای دانش‌آموزان در مقاطع مختلف به همراه داشته باشد و اثرات منفی مسیریابی، جریان و گروه‌بندی ناشی از قابلیت‌ها را کاهش دهد.

۳- مدیریت گزینش مدرسه برای اجتناب از افتراق و تبعیض بیشتر

تهیه‌ی گزینه‌های کامل اولیا - مدرسه می‌تواند به تفکیک دانش‌آموزان بر اساس توانمندی، پس‌زمینه اجتماعی - اقتصادی و تولید نابرابری‌های بزرگ‌تر در سراسر سیستم‌های آموزشی بیانجامد. طراحی و مدیریت برنامه‌های گزینش برای ایجاد گزینه‌های متعادل در حین محدودیت اثرات منفی آن بر برابری صورت گرفته است. گزینه‌های متفاوت و احتمالی وجود دارد که شامل معرفی طرح‌های انتخاب کنترل شده است که می‌تواند با گزینش والدینی ادغام شود و توزیع بسیار متنوع‌تر دانش‌آموزان را تضمین کند. بعلاوه، برای اطمینان از وجود تعادل، مکانیزم‌های گزینش مدرسه و فاکتورهای هزینه یا اعتبار مالیاتی می‌تواند گزینه‌های دیگری باشد. این تدابیر مستلزم بهبود دسترسی خانواده‌های محروم به اطلاعات مربوط به مدارس و حمایت از آن‌ها در انتخاب آگاهانه است.

۴- ارائه استراتژی‌های بودجه پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان و مدارس

منابع موجود و نحوه‌ی هزینه کردن آن‌ها بر فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. برای اطمینان از برابری و کیفیت در سراسر سیستم‌های آموزشی، استراتژی‌های بودجه عبارت‌اند از: تضمین دسترسی به آموزش و مراقبت باکیفیت اوایل کودکی (ECEC) به‌ویژه برای خانواده‌های محروم؛ استفاده از استراتژی‌های بودجه مانند فرمول بودجه



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

توزین شده که بالاتر بودن هزینه‌های درسی دانش‌آموزان محروم را در نظر می‌گیرد. بعلاوه، نکته مهم این است که خودمختاری محلی / تمرکززدایی با توجه به ذی‌حسابی منابع متعادل باشد تا بتواند حمایت از اکثر دانش‌آموزان و مدارس محروم را تضمین کند.

۵- طراحی مسیرهای آموزشی برابر در مقاطع بالاتر دبیرستان برای تضمین تکمیل

باوجود اینکه تحصیلات بالاتر از دبیرستان برای افراد و جوامع یک سطح استراتژیک در آموزش و پرورش محسوب می‌شود اما بین ۳۰ و ۱۰ درصد جوانان این سطح را کامل نمی‌کنند. سیاست‌های بهبود کیفیت و طراحی آموزش مقاطع بالاتر دبیرستان می‌تواند به دانش‌آموزان مرتبط‌تر باشد و اتمام تحصیل را تضمین کند. در این راستا گزینه‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد: ایجاد مسیرهای دانشگاهی و شغلی به صورت برابر و همراه با بهبود کیفیت آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی امکان انتقال از مطالعات دانشگاهی به مراحل شغلی و خروج از بن‌بست را به وجود می‌آورد. ارشاد قوی‌تری و مشاوره برای دانش‌آموزان در طراحی معیارهای هدفمند برای پیشگیری از ترک تحصیل از جمله گزینه‌های کارآمد و مسیرهای مضاعف برای کسب صلاحیت در مقاطع بالاتر از دبیرستان و انگیزه‌ای برای ماندن در مدرسه تا اتمام تحصیل است.

ب) راه‌کارها و سیاست‌های درمان در سطح سیستم آموزشی

مدارسی که سهم بیشتری از دانش‌آموزان محروم در آن‌ها مشغول به تحصیل هستند در معرض ریسک‌های بزرگ‌تر و چالش‌برانگیزتر هستند که می‌تواند به عملکرد ضعیف منجر شود و بر سیستم آموزشی به‌عنوان یک مجموعه اثر بگذارد. عملکرد ضعیف مدارس محروم معمولاً فاقد ظرفیت داخلی یا پشتیبانی برای پیشرفت است زیرا رئیس‌ان و معلمان این‌گونه مدارس و محیط آن‌ها، کلاس‌های درس و همسایگان مکرراً و غالباً به دلیل محرومیت قادر به ارائه تجارب آموزشی باکیفیت نیستند. پنج سیاست پیشنهادی مؤثر در حمایت از بهبود عملکرد ضعیف مدارس محروم و درمان آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- تقویت و حمایت از رهبری مدرسه

رهبری مدرسه یک نقطه شروع برای تحول در عملکرد ضعیف مدارس محروم است اما غالباً روسای مدارس به‌خوبی انتخاب‌نشده‌اند و برای اعمال نقش خود در این‌گونه مدارس از آمادگی و حمایت لازم برخوردار نیستند. برنامه‌های آماده‌سازی رهبری مدرسه برای تقویت ظرفیت آن‌ها باید دانش تخصصی و مهارت‌های عمومی را برای مدیریت چالش‌های این مدارس ارائه دهد. مربی‌گری، تعلیم و شبکه‌بندی می‌تواند برای حمایت بیشتر از رهبران و موفقیت آن‌ها در ایجاد تغییرات ماندگار توسعه یابد. بعلاوه، برای جذب و حفظ رهبران شایسته و باصلاحیت در این مدارس باید تدابیری برای ایجاد شرایط خوب کاری، حمایت نظام‌مند و ایجاد انگیزه اندیشید.

حمایت از مدارس درحالی که بازسازی باید همیشه و در صورت نیاز مورد ملاحظه باشد. تقسیم مدارس محروم دارای عملکرد ضعیف به چند مدرسه کوچک تر و بستن مدارس که در حال حاضر بی کیفیت هستند و ادغام مدارس کوچک می تواند از جمله گزینه های سیاسی در شرایط معین باشد.

۲- انگیزش برای ایجاد جو و محیط مدرسه حمایتی برای آموزش

عملکرد ضعیف مدارس محروم می تواند برای آموزش و یادگیری یک خطر محیطی دشوار باشد. تمرکز بر سیاست های خاص برای این مدارس بیش از سایر مدارس نیاز است که می توان از میان آن ها تقدم توسعه روابط مثبت معلم - دانش آموز و همسال؛ ترویج استفاده از سیستم های داده های اطلاعاتی برای تشخیص و شناسایی دانش آموزان ستیزه گر و عوامل مخل یادگیری؛ ارائه مشاوره کافی به دانش آموزان و تعلیم و ارشاد برای حمایت از دانش آموزان و ملایم کردن مرحله انتقال آن ها برای استمرار تحصیل را نام برد. بعلاوه این مدارس می توانند از زمان آموزش مثلاً دوره ی هفتگی یا سالانه مدرسه و یا از لحاظ سبک مدرسه از سازمان های جایگزین استفاده کنند. در بعضی موارد ایجاد کلاس های درسی و مدارس کوچک تر می تواند یکی از سیاست های مؤثر در تقویت تعاملات دانش آموز- دانش آموز و دانش آموز - معلم و اعمال استراتژی های بهتر برای یادگیری باشد.

۳- جذب، حمایت و حفظ معلمان باکیفیت

علیرغم تأثیرات عمیق معلمان بر عملکرد دانش آموزان در مدارس محروم همیشه معلمان باصلاحیت و باکیفیت مشغول به کار نیستند. سیاست های مدون در جهت ارتقا کیفیت معلمان برای مدارس و دانش آموزان محروم باید اتخاذ شود و در این راه از آموزش هدفمند معلمان برای اطمینان از دریافت مهارت ها و دانش لازم برای کار در این مدارس دارای دانش آموزان محروم باید استفاده شود. به علاوه برنامه های تعلیم و تربیت برای معلمان تازه کار و توسعه شرایط کاری حمایتی برای بهبود کارایی معلمان همراه با افزایش ابقای معلمان و توسعه ی انگیزه های مالی و حرفه ای کافی برای جذب و حفظ معلمان باکیفیت در مدارس محروم باید اجرا شود.

۴- تضمین استراتژی های مؤثر برای یادگیری کلاسی

غالباً انتظارات آکادمیک کمتری از مدارس و دانش آموزان محروم وجود دارد درحالی که شواهد حاکی از آن است که تعلیمات معین می تواند بر عملکرد ضعیف دانش آموزان اثر بگذارد و تفاوت زیادی با گذشته ایجاد کند. برای بهبود یادگیری در کلاس های درس، باید سیاست هایی برای تضمین و تسهیل پیشرفت مدارس محروم در استفاده از ترکیب متعادل دستورالعمل های دانش آموز محور با برنامه تحصیلی هم تراز و ارزیابی های مستمر تدوین گردد. مدارس و معلمان باید از ابزارهای تشخیصی و ارزیابی های تکوینی و تلخیصی برای نظارت بر پیشرفت کودکان و اطمینان از



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

کسب دانش و درک خوب استفاده کنند. اطمینان از پیروی مدارس از برنامه‌ی تحصیلی که فرهنگ انتظارات بالا و موفقیت را ترویج می‌کند بسیار مناسب است.

۵- تقدم پیوند مدارس با والدین و جوامع

والدین محروم به دلایل متعدد اقتصادی و اجتماعی تمایل دارند که مشارکت کمتری در امور درسی کودکان خود داشته باشند. برای اطمینان از تقدم ارتباط مدارس محروم با والدین و جوامع و بهبود استراتژی‌های ارتباطات آن‌ها برای هم‌ترازی تلاش‌های اولیا و مدرسه سیاست‌هایی باید تدوین گردد. استراتژی‌های کارآمدتر والدینی را هدف می‌گیرند که دسترسی به آن‌ها دشوارتر است و افرادی را از جوامع مشابه برای نظارت و تعلیم دانش‌آموزان شناسایی و تشویق می‌کنند. ایجاد این ارتباطات با جوامع اطراف مدارس اعم از آنکه جوامع کاری باشند یا ذی‌نفعان اجتماعی می‌توانند مدارس و دانش‌آموزان آن‌ها را تقویت کنند.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی برابری فرصت و عدالت آموزشی در سازمان آموزش و پرورش بود. این مفاهیم همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سازمان بوده‌است. مسئله‌ی عدالت آموزشی از جمله ایده‌هایی است که در سند تحول نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شده است. برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی را می‌تواند به‌عنوان هدف یا به‌عنوان وسیله‌ای در جهت تحقق هدف بلندمدت برابری اجتماعی مورد توجه قرار داد. برابری فرصت‌های آموزشی زمانی محقق می‌گردد که همه‌ی افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند. این هدف امروزه در سطح بین‌المللی پذیرفته شده، اما کاملاً تحقق نیافته است. به‌طور کلی و بر اساس گزارش OECD نتایج تحلیلی راه‌کارهای این پژوهش حاکی از آن است که برای بهبود برابری فرصت و عدالت آموزشی در سازمان دو راه کار کلی وجود دارد. دسته‌ی اول راهکارهایی هستند که به‌منظور پیشگیری از نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی در یک سیستم سازمانی و ساختاری معیوب قابل طرح هستند و شامل مواردی همچون: حذف تکرار پایه، اجتناب از پیگیری زود هنگام و تعویق گزینش دانش‌آموزان تا مقطع دبیرستان، مدیریت گزینش مدرسه برای اجتناب از افتراق و تبعیض بیشتر، ارائه استراتژی‌های بودجه جهت تأمین نیازهای دانش‌آموزان و مدارس، طراحی مسیرهای آموزشی برابر در مقاطع بالاتر از دبیرستان. دسته‌ی دوم راه‌کارها و سیاست‌هایی هستند که پس از مشاهده نابرابری و بی‌عدالتی در یک منطقه آموزشی قابل طرح هستند و شامل: تقویت و حمایت از رهبری و مدیریت مدرسه، بهبود انگیزش برای ایجاد جو و محیط آموزشی فعال، جذب، حمایت و حفظ معلمان باکیفیت، تضمین استراتژی‌های مؤثر برای یادگیری کلاسی، تقدم پیوند مدارس با والدین و جوامع.



دانشگاه لرستان



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education

(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran

علاوه بر این با بررسی ادبیات نظری مرتبط و نیز مشاهده‌ی وضعیت فعلی سازمان نیز می‌توان مواردی از جمله: احداث مدرسه در نزدیکی محل زندگی دختران، کاهش هزینه‌های والدین از طریق اعطای بورس تحصیلی، تهیه‌ی برنامه‌ی درسی متناسب، افزایش مشارکت جامعه، تمرکززدایی، ایجاد نظام‌های آموزشی متنوع، ارزش‌گذاری به تمام آحاد جامعه با هر وابستگی زبانی، قومی، نژادی، توزیع عادلانه نیروی انسانی تحصیل کرده و فرهنگیان مجرب، تدوین کتب درسی متناسب با موقعیت و شرایط استان، ایجاد زمینه‌ی مناسب برای تحصیل دختران و پسران بازمانده از تحصیل، اختصاص منابع مالی و سرانه‌های دانش‌آموزی ویژه با توجه به محرومیت منطقه‌ی آموزشی، ارائه‌ی امکانات رایگان در مناطق محروم، بهره‌مندی معلمان از امکانات رفاهی مطلوب، ایجاد فرصت‌های مناسب برای ادامه‌ی تحصیل فرهنگیان، بهره‌گیری از رسانه‌های ملی و امکانات جمعی و عمومی سازمان‌ها به بهبود برابری فرصت و عدالت آموزشی کمک خواهد نمود.

منابع

۱. سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز (۱۳۸۹). مصوب هشتصدویست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر فلسفه عدالت. ماهنامه نقد، سال اول، شماره ۱
۳. پرچمی، داود (۱۳۸۹). اعتقاد دانشجویان به لیبرالیسم: علل و پیامدهای آن. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آیین
۴. بکان، سلیل و رمضان جهانیان، ۱۳۹۵، عدالت آموزشی از دیدگاه آموزش و پرورش، ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایشگران مهر اشراق، https://www.civilica.com/Paper-RAFCON۰۶-RAFCON۰۶_۱۴۷.html
۵. در آموزش و پرورش استان اصفهان. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷. صص ۲۸۷-۳۰۵
۶. رالز، جان (۱۳۸۷). نظریه عدالت. ترجمه سید محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
۷. سرمدی، محمدرضا؛ معصومی فرد، مرجان. (۱۳۹۴). جایگاه عدالت آموزشی در تحول نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر سازنده گرایی. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی سال سوم - شماره دهم. صص ۶۳-۷۰
۸. صفار حیدری حجت؛ حسین نژاد، رزا (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران. نامه مبانی پژوهش تعلیم و تربیت ۴، ۱



انجمن علمی آموزش و پرورش تطبیقی ایران

اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲ و ۳ آذرماه ۱۳۹۶

دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

First International Conference on Comparative Education
(November ۲۳-۲۴, ۲۰۱۷)

Lorestan University, Khorramabad, Iran



دانشگاه لرستان

- ۷۲ صص
۴۹
۹. عکاشه، زهرا بابادی؛ شریف، سید مصطفی؛ جمشیدیان، عبدالرسول. (۱۳۸۷). تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی
۱۰. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۱۱. والزر، مایکل (۱۳۸۹). حوزه‌های عدالت: در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر راهنما.
۱۲. OECD (۲۰۱۲), Equity and Quality in Education: Supporting Disadvantaged Students and Schools, OECD Publishing.
<http://dx.doi.org/10.1787/9789264130852-en>
۱۳. Anderson, E. (۲۰۰۷). Fair opportunity in Education: A Democratic Equality Perspective. Ethics, ۱۱۷, ۴.
Miliband, D. (۲۰۰۳). Opportunity for All: Are We Nearly There Yet? London, Institute for Public Policy Research.